



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

کوبو آبه رمان زن در ریگ روان را در سال ۱۹۶۲ نوشته است که او را در عرصه جهانی رمان صاحب نام کرد. این رمان شهرت جهانی دارد و به ۲۰ زبان ترجمه شده است. اما چه چیزی در این رمان وجود دارد که نوشتن آن از او را به عنوان سرمقاله روزنامه توجیه می‌کند؟ امید در دوردست نیست؛ امید در همین اطراف است، اگر خوب نگاه کنیم.

داستان درباره مرد حشره‌شناسی است که برای یافتن حشره جدیدی که او را مشهور کند، به ساحل دریا در دهکده‌های دور کشیده می‌شود و تصمیم می‌گیرد شب را در آن دهکده عجیب بگذراند. شب را در گودالی می‌ماند و فیردای آن متوجه می‌شود که عده‌ای به عمد او را به آنجا برده‌اند و خلاصی از آن ممکن نیست؛ او زندانی گودال شنی شده است. همراه زنی در این گودال شنی، شب تا صبح باید شن‌های اضافی را جمع کند و با زنبیل به بالا بفرستد. اگر یک روز این کار را انجام ندهند، شن همه چیز را خراب می‌کند و زنده‌زنده دفن می‌شوند. بعدها متوجه می‌شود که گودال‌ها در حقیقت برای محافظت ده از توفان‌های شنی شبانه است. توفان شن در نبود گودال‌ها مستقیم وارد ده می‌شود و همه چیز را خراب می‌کند. گودال‌ها و خندق‌ها کنده شده‌اند تا شن‌ها در مسیر حرکت به سوی روستا، در این گودال‌ها سقوط کنند و خطری متوجه ده نباشد. کسانی هم در این گودال‌ها به خدمت گرفته شده و اسیر شده‌اند، برای حمایت از روستا. آنها شب‌ها شن‌های وارد شده به گودال‌ها را جمع می‌کنند و به بیرون می‌فرستند و رزوها استراحت می‌کنند.

رمان درگیری ذهنی و روانی زیادی برای خواننده ایجاد می‌کند و او را بسیار متأثر، ناراحت و عصبی می‌کند. کارهای تکراری خسته‌کننده، ناامیدانه و به‌ظاهر بیهوده زن و مرد در گودال، وضعیت غیرمعمول و پوچی را به خواننده نشان می‌دهد که گاهی آزاردهنده است. مرد در مواجهه با اتفاقات وحشتناکی که خارج از اراده او شکل گرفته، ناتوان است و در وضعیت دردناکی گرفتار شده که راه گریزی از آن نیست. ابتدا فکر می‌کرد بعد از مدتی غیبت از شهر، همه متوجه می‌شوند و برای بیدار کردنش تلاش می‌کنند و در نهایت به این روستا می‌رسند و او از این همه درد و رنج خلاصی می‌یابد. مرد کم‌کم خسته و ناامید می‌شود تا اینکه کشف مهمی وضعیت را نه فقط برای خودش بلکه برای تمام افراد روستا درگون می‌کند. در سه صفحه آخر کتاب، اکتشاف تصادفی آب شیرین و گوارا از درون شن‌ها، وضعیت عجیب و بیهوده را تغییر می‌دهد و این بار گزینه آزادی یا ماندن پیش‌روی مرد قرار می‌گیرد. مرد به اراده خود تصمیم می‌گیرد در آنجا بماند. این کشف فقط با دقیق نگاه کردن به اطراف به دست آمد.

مرد محکوم به کار بیهوده شن‌رویی از درون شن‌ها که همه از آن متفر هستند، آب گوارا و زلالی به دست می‌آورد که کاری کمپاش و حیاتی در زندگی افراد دهکده است. همین موضوع برگ برنده مرد است و زندگی تازه‌ای را پیش‌روی او می‌گذارد. در صفحات انتهایی کتاب می‌خوانیم «هیچ لزومی نداشت در فرار عجله به خرج دهد، در بلیت دوسره‌ای در حالا در دست داشت، مقصد و زمان سفر را خالی گذاشته بود تا مطابق دلخواهش بر کند».

آنچه در پایان رمان اتفاق می‌افتد، در واقع نتیجه تلاش‌های مردی است که در وضعیت دشوار، کسل‌کننده و همیشه به چیزی فراتر از آنچه هست امید دارد و در نهایت همین امید و تسلیم‌نشدن راهگشا می‌شود که مرد را به ماندن وامی‌دارد؛ چراکه دیگر تسلیم شرایط نیست، بلکه کنترل‌کننده آن است. وقتی امری نو در قالب نوآوری، اختراع، آفریدن، اکتشاف یا ترکیب جدید عناصر اتفاق می‌افتد، شرایط را تغییر می‌دهد، عادت‌ها را عوض می‌کند، امکان‌های جدید پیش‌رو قرار می‌دهد و امید را می‌سازد؛ چون فرد می‌داند تا حدی کنترل‌کننده شرایط است. آفریدن و خلق کردن به معنای انجام کارهای بزرگ نیست، بلکه در همین زندگی روزمره است که امر تازه اتفاق می‌افتد. مرد با نگاه دقیق به شن‌هایی که عذاب تلقی می‌کرد و برایش تداعی رنج و درد بود، پی برد که آب دریا قطره‌قطره از زیر آن می‌چکد و شن این آب را گوارا کرده است. هیچ کدام از اهالی روستا این را متوجه نشده بودند، زیرا به چیزی جز کنارزدن شن‌ها نیندشیده بودند؛ در حالی که مرد در یک لحظه متوجه چیزی شد که شرایط را برای همه تغییر داد. چیزی که عذاب و مایه درد و رنج تلقی می‌شد، در حقیقت نجات‌دهنده اهالی دهکده از شرایط سخت بود.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱۳ شوال ۱۴۴۵
۲۲ آوریل ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۸۱۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



گفت‌وگو با رحمن قهرمان پور

در ارزیابی قدرت بازدارندگی، متغیرهای متفاوتی دخیل هستند



در «شرق» امروز می‌خوانید: جوابیه وزارت ورزش و جوانان به گزارش «شرق» • پاسخ وزارت اقتصاد به گزارش «شرق» • دخل و خرج نابرابر سینما

پرونده ویژه «شرق» درباره چالش‌های جدید دارو و نابسامانی‌های مربوط به مصرف خودسرانه

# دردسر مزمن دارو

در دیدار با فرماندهان عالی نیروهای مسلح مطرح شد

قدردانی فرمانده کل قوا از عملکرد

همراه با تدبیر نیروهای مسلح در حوادث اخیر



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید/ عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

یادداشت

## به وقت همبستگی؛ با نگاه ملی



صالح تفره‌کار

وکیل دادگستری

در بدترین زمان ممکن انجام شد و باعث تقابل و همبستگی سوزی است. وقتی اجماع نسل‌های قدیم و جدید راجع به سبک پوشش و هنجار مقبول جامعه متفاوت است، باید به جای روش‌های انتظامی و تقابلی حرکت‌های اقلی و مودت‌ساز در دستور کار باشد و این روش‌ها قطعاً نه حل مسئله که خود مسئله‌پرداز است.

۵. ما به مودت و همدلی همه مردمان ایران زمین نیاز داریم. به‌قول هگل، ایرانیان نخستین ملت تاریخی و دارای اولین حکمرانی متمرکز امپراتوری تاریخی بوده و در نقطه تلاقی فرهنگ‌ها و سن ریشه‌دار جهان قرار داشته‌اند. ما با یک گنجینه بی‌ظیر و پشتوانه تاریخی باید از تهدیدها فرصت خلق کنیم. حفظ سرمایه‌های اجتماعی، احترام به حق انتخاب و اثربخشی حق تعیین سرنوشت شهروندی و تمرکز بر صیانت از کرامت انسانی و حفظ حقوق بشر و احترام به دموکراسی و توجه به رفق فقر و عدالت باشد و به جای فرار مغزها در صدر جذب خردها و تخصص‌ها باشد. توجه به قاعده اولویت در فقه و حقوق و سیاست مدن و حکمت عملی ایرانی و اسلامی یک فریضه دینی و ملی است. حاکمان باید قاعده اولویت را در حل مسائل ملی جدی بگیرند. توجه کنیم که مولانا بزرگ

به ما ایرانیان آموخته است که: جان من و جان تو هر دو یکی است؛ گشته یکی جان پنهان در دو تن؛ جان من و تو جو یکی آفتاب؛ روشن از او گشته هزار انجمن؛ وقت حضور تو دو تا گشت جان؛ رسته شد از تفرقه خوبشن. قدر هم‌وطنانمان را بیشتر بدانیم و رنج‌هایشان را کم کنیم که در مدرسه فردوسی بزرگ آموخته‌ایم: بکوشید تا رنج‌ها کم کنید/ دل غمگنان شاد و بی‌غم کنید/ که کیتی فراوان نماید به کس/ بی‌آزاری و داد جویدید و بس/ نخوانند بر ما کسی آفرین/ چو ویران بود بود ایران‌زمین/ همه سر به سر دست نیکی برید/ جهان و وطن را به بد مسرید.

امید که مشق مودت و وحدت و همدلی کنیم.

۱. فردوسی در شاهنامه رمز پیروزی ایرانیان در برابر تورانیان و رومیان را مودت و همبستگی دانسته و تبلور عشق به ایران را در گرو از خود گذشتگی و ایثار برای سرفرازی این کهن بوم و دیار پاکبازان و پهلوانان همت بلند می‌داند. آنگاه که صلابت و شجاعت او در گوش تاریخ می‌پیچد که «بیاریم گردان هزاران هزار/ همه کار دیده همه پایدار/ همه نیزه‌داران شمشیرزن/ همه لشکر آرا و لشکر شکن/ چو جوشن بیوشند روز نبرد/ ز چرخ برین بگذرانند کرد/ چو ایشان بیوشند ز آهن قبا/ به خورشید و ماه اندر آرنند پای». ما ایرانیان همیشه وطن‌خواه و وحدت‌منش بوده‌ایم و برای دیرینگی و تبار کهن خود حرمت قائل بوده‌ایم. دشمنان ایران هم با نگاهی به تاریخ و جغرافیا و ادبیات و فرهنگ و اندیشگی ایرانی به دارایی‌های بی‌بدیل ایرانی واقف‌اند و نباید بگذاریم این خزانه ملی به دست بدخواهان کارج و بی‌اعتبار چهره‌پرازی شود. به‌ویژه آنگاه که پول و رسانه دست دشمنان ایران است، و دست خوردن از آنها نه شرط خرد و فرزانگی است.

۲. از روزی که اسرائیل ددمنش خط و نشان برای وطن کشید، شاهد یک اتحاد و همدلی مثال‌زدنی بین مردم بودیم که مغنم و ارزشمند قلمداد شده و گواه نجابت و اصالت ایرانی است. گوهری که در جهان ناهموار کنونی اندکی از ملت‌ها از آن بهره‌مندند و ما ایرانیان والاترین آن در جهان را داریم. این مودت نباید با اقدامات وحدت‌شکن متزلزل شود و از خزانه ملت حذف شود. حفظ آن برای همه ما و حکمرانان یک وظیفه ملی است. هرچند جنگ و دشمنی‌ها تلخ و پرشر است اما نمی‌توان یاد نکرد از خاطره‌های ملی چون زمان جنگ ایران و عراق که مردم از فقیر و غنی برای هم ایثار می‌کردند و در پشت جبهه و خط مقدم شاهد ایثار کوچک و بزرگ بودیم و این نوع دوستی و مهرورزی ایرانی در آن ایام مثنوی مظلومی است که شرف و کرامت و آزادی ایرانی را تداعی می‌کند و برای آن باید هزاران هزار داستان و فیلم‌نامه نوشت.

۳. حال ما با جهانی مواجهیم که ستمگران را مؤاخذه نمی‌کند و مظلومان را به جای ظالمان مؤاخذه می‌کند؛ در این فضا تصویرها از

برگزیده‌ها

ارض اقدس، عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران تأثیرات سوء نرخ ارز بر تولید را بررسی می‌کند

راه گمشده دلار



سرمقاله روزنامه دولت تذکر رهبری را تأیید کرد

گریز دولت از باتلاق افراطی‌ها



در صحن شورای شهر تهران چه گذشت

نشانی تاکسی‌های برقی کجاست؟



دیوید تیلور نیست؛ با حسن یزدانی چه کنیم؟

خافلگیری شبانه در آمریکا



نقش نهادهای مدنی در توسعه کار آفرینی زنان

یادداشتی از زهرایابی



یادداشت

قانون‌گذاری یا تکلیف‌گزاری



حسن وکیلان

حقوق دان

اوایل سال ۱۳۸۰ هنوز دانشجوی دوره کارشناسی ارشد بودم که در دفتر حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس مشغول به کار شدم. زمانه، زمانه اصلاحات بود و در همان ایام بحث ساماندهی تعطیلات در این مرکز مطرح بود. گزارش پشت گزارش و جلسه بعد جلسه برای توجیه اینکه این امر برای بهبود وضعیت کسب‌وکار و پیوند با اقتصاد جهانی لازم است؛ اما آن روزها گذشت و کار به جایی نرسید. حالا ۲۳ سال از آن روزها می‌گذرد و هفته گذشته یکی از نمایندگان مجلس از احتمال تعطیلی پنجشنبه خیر داده است. فاصله شنبه تا پنجشنبه یک روز بیشتر نیست؛ اما از نظر منطق حکمرانی و خرد قانون‌گذاری فاصله میان این دو زمین تا آسمان است. در پس این سال‌هایی که «آن‌سان گذشت» نهاد‌های مدرن را رفته‌رفته کسانی تصاحب کردند که در ظاهر و باطن اعتقادی به کارکرد واقعی آنها نداشتند و از آن برای بازتولید همان مناسبات سنتی استفاده کردند. اگر می‌توانستند و جبر اجتماعی و سیاسی مجبورشان نکرده بود، همین مقدار صورت ظاهر را هم تحمل نمی‌کردند؛ اما همین‌قدر نمایان می‌کند که بدانیم ایشان هم بعد از ۲۳ سال نتوانستند تکلیف جابه‌جایی یک روز تعطیل را برای تأمین صرفه و صلاح ملک و ملت مشخص کنند. استدلال‌شان را از زبان همان نماینده بشنوید تا ابعاد فاجعه‌ای را که در آن گرفتار آمده‌ایم، بهتر درک کنید. به همین بهانه بد نیست دو رویکرد به قانون‌گذاری یعنی قانون‌گذاری تکلیف‌گزار و خردمدار را با هم اشاره‌وار مقایسه کنیم. قانون‌گذار تکلیف‌گزار (تازه اگر حسن نیت و صداقتی در کار او باشد)، همه چیز را از دریچه ایدئولوژی خود می‌بیند و در توجیه ابتکارهای تقنینی خود از عمل به تکلیف سخن می‌گوید؛ اما خود را مسئول نتایج عمل به آن تکلیف نمی‌داند و چون خیال می‌کند تکلیف (با همان حقیقت) را به یقین درست فهمیده است، نتیجه را تعیین شده و از پیش تضمین شده می‌داند.

انتشارات شرق منتشر کرد

آخرین دیپلمات

توسعه‌یافتن در ایران

شکاف حکمرانی

زهد و کزبده جوانی

شکستان و زفرستان